



رساله در موسیقی قدیم و سه گفتار در فلسفه هنر

منوچهر صدوقی سها

فرهنگستان هنر

فصلی است در یاد اجزای هفت بحر و در پایان فصلی در یاد نوادر.

در گفتار در حقیقت هنر (۱) و (۲) مؤلف در پی آن است که بگوید، حقیقت هنر این است که اولاً هنر با لذات امری است ادراکی و مآلاً نفسانی و نه عینی و بلکه اساساً ادراک هنری از مراتب طولیه ادراک است به اعتباری؛ یعنی برزخ است به میانه ادراک حسی که داده آن علم است و البته نه به معنای مطلق آن، بلکه به معنای Science و ادراک عقلانی که داده آن فلسفه اولی است و... وی ادامه می‌دهد که ما هیچ در صدد آن نیستیم که بهر هنر جنس و فصلی منطقی درست کنیم که تا چه باشد حکم فصل حقیقی آن و مآلاً حدی، یعنی تعریفی نام و تمام بهر آن فرادست آوریم و اساساً احتمال می‌دهیم که شاید نتوان بهر هنر جنسی قریب تحصیل کرد تا فنون مختلفه هنری از پی عروض فصولی چند انواع آن (یعنی انواع هنر) گردد، بلکه احتمال می‌دهیم که اساساً عنوان هنر بهر فنون هنری از قبیل خارج لازم باشد یا ذاتی باب برهانی یعنی از حاق ذات آن فنون به انتزاع رسد.

در مقاله پایانی نیز تحت عنوان «میزان تأثر شعر از فلسفه و علم» نیز مؤلف اشاره می‌کند که اصحاب علم نخست معادلات شخصی خویش را محاسبه کنند و از پی آن همی خواهند که آن را به یک بار در گوشه‌ای نهند، اما شعر گرچه بایسته است که آن نیز تصویر پرداز عالم بوده باشد، نقاشی نفس انسانی و بالاخص روح شاعر نیز با اوست و بدین گونه معادلات شخصی هنری مردم بنیاد نبوغ اوست و معطی ارزش ابدی با آفریده‌های او و...

آنچه در این مجموعه آمده است: رساله‌ای است در موسیقی قدیم، پارسی کرده از متنی تازی مربوط به سده‌ی هشتم هجری از نویسنده‌ای ناشناس. سپس گفتار در حقیقت هنر (۱) و گفتار در حقیقت هنر (۲) و در پایان گفتاری است تحت عنوان میزان تأثر شعر از فلسفه و علم پارسی کرده از مصنفی ایتالیایی.

در رساله‌ی در موسیقی قدیم در باب نخست که در ماهیت موسیقی و موضوع و وجه اشتقاق و فضل و برهان آن و اینکه بهر چه وضع شده و کدامین از متقدمین به آن پرداخته‌اند و آراء حکما در آن و آداب آن فصولی آمده است:

فصل نخست که در ماهیت موسیقی و موضوع آن است.

فصل دوم در وجه اشتقاق موسیقی و غنا و لحن که افزون می‌گردد به فصل نخست. فصل سوم در ذکر واضع موسیقی و آنکه بهر نخستین بار را استعمال آن کرده است.

سپس فصلی در شرح دائره است: [اول: رصد] و او بدان سان که شیخ صفی‌الدین عبدالمؤمن گوید، از سه گاه بیاغازد و به حصار رهاوی بالا شود و با رمل نیکو گردد و بر دوگاه پایین آید [اصل تالی: اصفهان] و او از رصد بیاغازد و به هفت گاه بالا رود و با چهار گاه نیکو گردد و بر راست پایین آید و به گفته‌ی برخی بر دوگاه ولیکن فرقی میان این دو نیست، از آن رو که نیز دو گاه خود بر راست فرود آید و برخی قائل گردیده‌اند به تقدیم زیر افکنند بر رصد از آن رو که او در آغاز و نزدیک است به راست.

سپس فصلی در فروع اصول چهارگانه و آن گاه